

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جزوه درس منطق ۱

استاد محترم: خانم دکتر وحدتی پور

نیمسال اول تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱

دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

مباحث مطرح شده در بحث مقدمه بر اساس کتاب منطق مظفر

نیاز به علم منطق

حفظ الذهن عن الخطا فی الفكر



تعریف علم منطق

آله قانونیه تعصم مراعاتها الذهن عن الخطا فی الفكر



موضوع علم منطق

تصوّرات و تصدیقات



نمای کلی مباحث منطق بر اساس کتاب منطق مظفر

- باب اول: مباحث الفاظ
- باب دوم: مباحث کلی
- باب سوم: معرف و قسمت

۱- تصوّرات

- باب چهارم: قضایا و احکام
آن
- باب پنجم: مباحث استدلال

۲- تصدیقات

- باب ششم: صناعات خمس

۳- صناعات

تاریخچه

- در قرن ۵ (قبل از میلاد مسیح) در یونان باستان سفسطه گری بر اثر دو عامل رواج داشت: **الف**) ظهور آراء و عقاید فلسفی ضدّ و نقیض و **ب**) رواج فوق العاده فنّ خطابه
- در اثر منازعات مالی زیادی که در بین مردم آن روزگار ایجاد می‌شد، کار به محکمه کشیده می‌شد و گروهی از دانشمندان به عنوان وکیل، با حضور در برابر بسیاری از تماشاچیان به دفاع از حقوق موکلین خود می‌پرداختند و خطابه‌های مؤثری ایراد می‌کردند. این گروه سعی داشتند برای هر مدعایی «چه حق، چه باطل» دلیل آورند. کم کم کار به جایی رسید که معتقد شدند حق و باطل یا صدق و کذب در واقع نیست، بلکه **حق** و **باطل** آن چیزی است که **انسان** آن را حق یا باطل بداند.
- به تدریج این عقیده در سایر امور عالم هم سرایت کرد و گفتند: **حقیقت** به طور کلی تابع شعور و ادراک انسان است.

ادامه تاریخچه

- سقراط، افلاطون و ارسطو به شدت با سوفسطائیان به مبارزه پرداختند و مغالطه‌های آنها را آشکار کردند و ثابت کردند که اشیاء با قطع نظر از ادراک ما، واقعیت دارند و دارای کیفیت مخصوص هستند، و اگر انسان به طرز صحیحی فکر خود را راه ببرد، می‌تواند حقایق را دریابد.
- **ارسطو** به همین منظور قواعد منطقی را برای درست فکر کردن و تمیز خطا از صواب، جمع و تدوین کرد.

نگاهی گذرا به دانشمندان و مؤلفین بزرگ

منطق ارسطویی

- ۱- ارسطاطالیس (ارسطو) (متوفی ۳۲۲ قبل از میلاد)
- در سن هفده سالگی به آتن آمد، مدت بیست سال در خدمت افلاطون تحصیل کرد، و در ۶۲ سالگی وفات یافت.
- در منطق، وی را معلم اول خوانده‌اند.
- کتاب منطقی او «**ارغنون**» یعنی ابزار نام دارد، که مشتمل بر مباحث ذیل است:
- مقولات / کتاب قضایا / کتاب قیاس / کتاب برهان / جدلیات / سفسطه
- بعداً کتاب خطابه و شعر را هم بر آن افزود.

ادامه

- ۲- رواقیون: سر سلسله آنان زنون است. (متوفی ۲۶۲ قبل از میلاد)
- به منطق اهمیت بسیار می‌دادند و شماری از فصول و ابواب را وضع کرده‌اند.
- اضافه کننده مبحث **قیاسات شرطی** به منطق ارسطویی
- ۳- فروریوس: (متوفی ۳۰۳ م)
- فیلسوفی نو افلاطونی و از شاگردان فلوپین
- اضافه کننده بخش **کلیات خمس** به منطق ارسطویی
- کلیات خمس به نام ایساغوجی یعنی مدخل نامیده می‌شود.

ادامه

- ۴- حکیم ابو نصر فارابی: (متوفی ۳۳۸ ه. ق / ۹۵۰ م)
- به منطق اهمیت خاصی می‌داد و به **معلم ثانی** ملقب شد.
- ۵- ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا: (متوفی ۴۲۸ ه. ق / ۱۰۳۷ م)
- معروف به **شیخ‌الرئیس** است و در تقسیم بندی منطق مانند سایر حکمای اسلامی، از فارابی پیروی می‌کرده است.
- کتاب منطق «شفا» عظیم‌ترین کتاب منطقی اوست.
- کتاب «نجات» خلاصه کتاب شفا
- «اشارات و تنبیها» که جلد اول آن مربوط به منطق است.

ادامه

- ۶- ابو حامد محمد بن احمد غزالی: (متوفی ۵۰۵ ه. ق / ۱۱۱۱ م)
- مشهور به **حجه الاسلام** است.
- ۷- زین الدین عمر بن سهلان ساوی: (متوفی ۵۴۰ ه. ق / ۱۱۴۵ م)
- صاحب کتاب «البصائر النصیریه فی المنطق» است.
- شورای مدیران دانشگاه الازهر مصر در سال ۱۳۱۶ ه. ق این کتاب و تعلیقاتش را به عنوان کتاب درسی منطق آن دانشگاه اعلام کردند.
- ۸- ابو الولید محمد بن احمد بن رشد: (متوفی ۵۹۵ ه. ق / ۱۱۹۸ م)
- ابن رشد بسیاری از کتابهای منطق ارسطو را شرح کرده است.
- اثر معروف او «تهافت التهافت» که ردّ بر «تهافت الفلاسفه» غزالی است.

ادامه

- ۹- شیخ شهاب الدین سهروردی: (متوفی ۵۸۱ ه. ق / ۱۱۸۷ م)
- او مؤسس **مکتب اشراق** است.
- «حکمه الاشراق»، «تلویحات» و «مطارحات» از کتابهای اوست.
- ۱۰- محمد بن محمد خواجه نصیر الدین طوسی: (متوفی ۶۷۲ ه. ق / ۱۲۸۷ م)
- وی از مدافعان سر سخت فلسفه مشاء بوده و با واسطه، شاگرد شیخ الرئیس است.
- «اساس الاقتباس»، «شرح اشارات» ابن سینا و متن کتاب «جوهر النضید» از آثار منطقی اوست.

ادامه

- ۱۱- جمال الدین حسن بن یوسف: (متوفی ۷۲۶ ه. ق / ۱۳۴۱ م)
 از معاصران خواجه طوسی و معروف به **علامه حلی** است.
 مشهورترین اثر منطقی او کتاب «جوهر النضید» است.
- ۱۲- قطب الدین کازرونی (معروف به شیرازی): (متوفی ۷۱۰ ه. ق / ۱۳۱۱ م)
 از شاگردان خواجه طوسی است.
 «دره التاج» از جمله کتاب منطقی اوست.
- ۱۳- قطب الدین محمود رازی: (متوفی ۷۷۶ ه. ق / ۱۳۹۱ م)
 از شاگردان قطب الدین شیرازی
 «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» از جمله کتب منطقی اوست.

ادامه

- ۱۴- میر سید شریف جرجانی: (متوفی ۸۱۶ ه. ق / ۱۴۳۱ م)
- حاشیه بر «شرح شمسیه» و حاشیه بر «شرح مطالع» قطب رازی از جمله آثار اوست.
- ۱۵- صدر المتألهین شیرازی: (متوفی ۱۰۵۰ ه. ق / ۱۶۶۵ م)
- از شاگردان میرداماد و شیخ بهایی است.
- وی مؤسس **حکمت متعالیه** و نویسنده کتاب بزرگ «اسفار» است.
- «رساله فی التصوّر و التصدیق»، حاشیه بر منطق «حکمه الاشراف» و «اللّمعات المشرقیه فی فنون المنطقیه» که به فارسی، به نام منطق نوین ترجمه و شرح شده است، از آثار منطقی اوست.

ادامه

- ۱۶- حاج ملا هادی سبزواری: (متوفی ۱۲۸۹ ه. ق / ۱۹۰۴ م)
- کتاب گرانسنگ «شرح منظومه» که از کتابهای سنگین حوزه‌های علمیه است، از آثار منطقی اوست.
- ۱۷- آیت الله مرحوم شیخ محمد رضا مظفر: (متوفی ۱۳۸۳ ه. ق / ۱۹۹۸ م)
- از **پیش‌تازان** اصلاحات کتب درسی حوزه به شیوه نو و نگارش ساده است.
- مؤسس مدارس علوم دینی در نجف اشرف
- تدوین کتاب‌های «المنطق»، «اصول الفقه» و «عقائد الامامیه»
- منابع فوق هم اکنون متون درسی حوزه علمیه قم است.
- کتاب «**المنطق**» ایشان مجموعه درس‌های ارائه شده در باب منطق است که در دانشکده «منتدی النشر» نجف تدریس شده است.

نیاز به علم منطق

- سؤال: منطق چه فایده‌ای دارد؟ و کدام مشکل بشر را حل می‌کند؟
- جواب: کلمه منطق مشتق از نطق است.
- نطق دو شعبه دارد:
- **نطق ظاهری** یا تکلم (تنها انسان است که دارای قوه نطق و تکلم است. وجود حنجره، ادای مخارج حروف، تشکیل کلمات و در نهایت بیان آنچه در درون انسان است، یک دستگاه محیر العقول است)
- **نطق باطنی** یا تفکر و تعقل (تنها انسان است که در سایه اندیشه ورزی و فکر کردن می‌تواند از صفر شروع کند و لحظه لحظه مترقی و متکامل گردد)
- حیوانِ ناطق بودن انسان به هر دو معنا است.

ادامه

- نکته:
- گرچه انسانها مجهّز به قوه تفکرند، لیکن به جز عده معدودی از آنها (از جمله انبیاء و ائمه) بقیه در افکار و عقایدشان دچار خطا و اشتباه می‌شوند.
- برای آموختن شیوه صحیح فکر کردن، منطق و قوانین آن راهگشاست.
- منطق دانان کوشیده‌اند با بررسی انواع خطاهای ذهن (مغالطات) و دسته بندی آنها، راههای جلوگیری از آنها را نشان دهند.
- مغالطات همچون بیماری‌هایی هستند که باید از دچار شدن به آنها بر حذر بود.

• خلاصه اینکه **فایده منطق** « حفظ الذهن عن الخطا فی الفکر » است.

پاسخ به یک شبهه

- چرا بسیاری از افرادی که منطق آموخته‌اند، مباحث آن را امتحان داده‌اند، نمره خوبی کسب کرده‌اند، حتی پس از چند دوره تدریس، باز هم در افکار و استدلال‌هایشان دچار خطا و اشتباه می‌شوند؟

• پاسخ:

- الف) یا علم منطق برای آنها ملکه نشده؛ (طوطی‌وار آموختن)
- ب) یا دارای ملکه شده، ولی هنگام تفکر یا سخن گفتن آنها را مراعات نمی‌کنند؛ (قصد عمل کردن نداشتن)
- ج) یا عمل می‌کنند ولی در تطبیق خطا می‌کنند.

تعریف علم منطق

- المنطق آله قانونیه تعصم مراعاتها الذهن عن الخطا فی الفكر
- ۴ نکته در تعریف فوق وجود دارد:
- الف) **آله**: اشاره به این دارد که منطق از علوم و دانش‌های آلی و مقدمی است، نه علوم اصلی و اصالی. یعنی دانش‌هایی که دانستن قواعد آنها مقصود بالذات نیست، بلکه وسیله و ابزاری برای هدف دیگری است.
- منطق همچون سیستم‌های کنترلی یک خودرو است که میزان بنزین، سرعت، حرکت و گرمای موتور را به ما نشان می‌دهند و در مقابل مشکلات به ما هشدار می‌دهند، اما باعث حرکت خودرو نمی‌شوند.
- ب) **قانونیه**: یعنی قواعد منطق یک سلسله روش‌های عام و کلی در اختیار ما می‌گذارد که برای همه علوم مفید، بلکه لازم است.
- حتی در سبک زندگی خود، تصمیم‌گیری‌ها، متقاعد کردن دیگران، فریب نخوردن از کلاهبرداران و ... به دانستن قواعد منطق محتاجیم.

ادامه

- (ج) **مراعاتها**: یعنی علم منطق از جمله علمی نیست که به مجرد دانستن قواعد ذهن از خطا دور شود، بلکه با مراعات و به کار بستن می توان نتیجه مطلوب گرفت.
- به عبارت دیگر منطق علمی کاربردی است که تبخّر در آن به تمرین و ممارست نیاز دارد. (مانند دوچرخه سواری)
- (د) **الذهن عن الخطا فی الفکر**: که این عبارت فصل اخیر تعریف منطق است.
- و عبارت «**فی الفکر**» بدان جهت است که ذهن انسان چندین کار انجام می دهد، که یکی از آنها فکر کردن است.

موضوع علم منطق

- موضوع علم منطق **تصوّرات** و **تصدیقات** است.
- برای توضیح موارد فوق، مرحوم مظفر به گامی عقب‌تر یعنی تعریف علم و تقسیمات آن رجوع می‌کند.
- تعریف علم: «حضور صورهِ الشیء عند العقل»
- علم به لحاظ معنا و **مفهوم**، از بدیهی‌ترین مفاهیم است. علم در مقابل جهل، به معنای دانایی و دانستن است.
- ولی به لحاظ **مصدق** و حقیقت، از امور بسیار مبهم است که به گُنه آن نمی‌توان رسید.

انواع تقسیمات علم

علم حصولی

- حصول صورتِ معلوم در پیشگاهِ عالم
- مثال: تصویری از کوه‌های عظیم دنیا در ذهن

علم حضوری

- حضور نفسِ معلوم با وجود خارجی‌اش در پیشگاهِ عالم
- مثال: علم ما انسانها به خودمان، علم ما به حالات و صفات نفسانیّه خودمان

تفاوت علم حضوری و علم حصولی

- ۱- در علم حصولی **صورت** شیء، ولی در علم حضوری **خود** شیء نزد عالم حاضر می‌شوند.
- ۲- در علم حصولی وجود علمی **غیر** از وجود عینی، ولی در علم حضوری هر دو **یکی** است.
- ۳- علم حصولی **قابل تقسیم** به تصور و تصدیق است، بر خلاف علم حضوری.
- ۴- علم حصولی **خطا پذیر** است، بر خلاف علم حضوری.

تقسیم دیگر علم

- ۱- علوم حسّی:
- نخستین درجه از درجات علمی بشر است.
- علم به محسوسات توسط حواس پنج‌گانه (قوه باصره/ قوه سامعه/ قوه ذائقه/ قوه شامّه/ قوه لامسه)
- نداشتن هر یک از قوای فوق، به معنای از دست دادن علم مربوط به آن بخش است.
- انسان در مرحله ادراک حسّی، مشترک با حیوانات است.
- ویژگی صور حسّی: هم دارای ماده هستند، هم مقدار.

ادامه

۲- علوم خیالی:

- علوم و دانش‌هایی که توسط قوه خیال برای انسان حاصل می‌شود.
- قادر بودن ذهن انسان بر انجام تصرفات علوم حسّی. (پس از عکسبرداری و فیلمبرداری ذهن از محسوسات، ذهن قادر است در این صور حسّی، تصرفات و مقایسه‌هایی انجام دهد)
- اصولاً قوه خیال در کودکی خیلی قوی است.
- در این مرحله برخی حیوانات با انسان مشترک بوده و مثلاً از برخی مزه‌ها یا بعضی بوها بیشتر خوششان می‌آید.
- ویژگی صور خیالی: دارای ماده نیستند، ولی دارای مقدار هستند.

ادامه

- ۳- علوم وهمی:
- انسان می‌تواند قدم از محسوسات، صور حسیه و خیالیه فراتر گذاشته، و یک سلسله معانی جزئیه را نیز ادراک کند.
- به عبارت دیگر اموری که اولاً از مقوله معنا بوده و امری مجرد هستند، نه مادی؛ و ثانیاً جزئی هستند و نه کلی. (مانند محبت به والدین، و یا غم و اندوه انسان مصیبت زده)
- در این مرحله برخی حیوانات با انسان مشترک‌اند.
- ویژگی علوم وهمی: نه دارای ماده است، نه مقدار، ولی جزئی است.

ادامه

• ۴- علوم عقلی:

- مرحله‌ای که فقط به انسان اختصاص دارد.
- عقل، مدیر و مدبّر مجموعه ادراکات حسی، خیالی و وهمی است.
- به برکت عقل است که از معلومات جزئی، معانی و قواعد کلی انتزاع می‌شود.
- حد و مرزی برای ادراکات عقلی نیست و به جایی منتهی نمی‌شود و انسان می‌تواند اندیشه خود را تا بلندای آسمان و ژرفای زمین پرواز دهد. به اعتراف دانشمندان، معلومات انسان در برابر مجهولاتش به مانند قطره‌ای در برابر اقیانوسی است.
- علم منطق تنها علمی است که به منظور سامان بخشیدن به ادراکات همه جانبه عقل تدوین شده تا تحت تأثیر قوه واهمه یا خیال واقع نشود، و از راه راست خارج نگردد.

تقسیم بندی دیگر علم

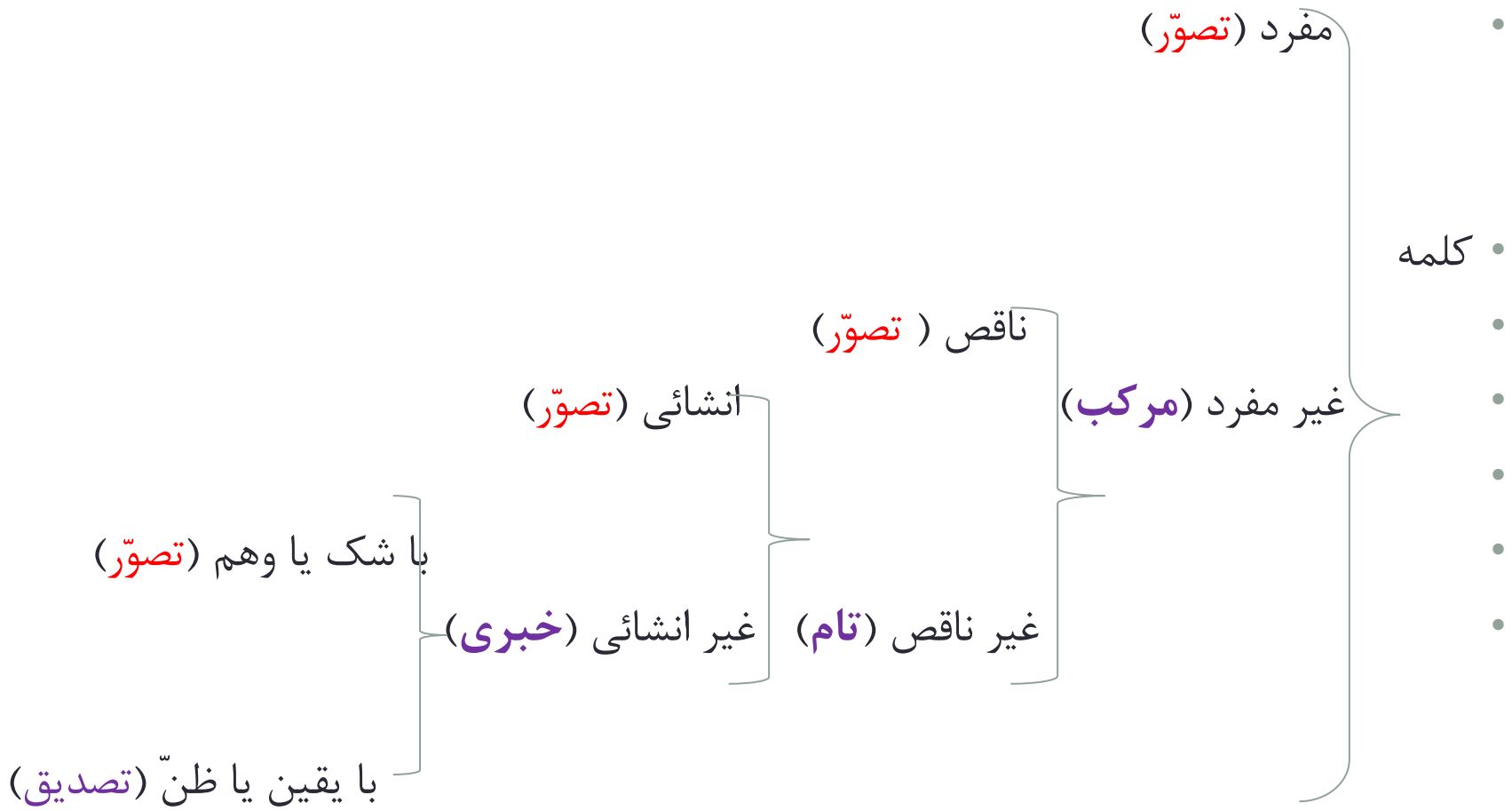
علم تصویری

- کلیه صور ذهنیه‌ای که هیچ گونه حکم و تصدیقی در آن نیست. (تصور محض و ساده)
- مثال: تصور زید، تصور قیام، و تصور نسبت بین آنها

علم تصدیقی

- قضایای ذهنیه‌ای که حکم و تصدیق دارد، همراه با **یقین** یا **ظن**.
- مثال: زید قائم

متعلق تصور و تصدیق



جهل و اقسام آن

- جهل در مقابل علم به کار می‌رود، و هر کس تصویر روشنی از آن در ذهن دارد.
- نسبت علم با جهل، تقابل ملکه و عدم ملکه است. (ملکه یک امر وجودی، و عدم همان امر وجودی نه عدم مطلق)
- جهل بر **دو** قسم است:
- جهل بسیط این است که انسان به شیئی از اشیاء جاهل باشد، ولی از جهل خود **خبر دارد** و غافل نیست.
- جهل مرکب این است که به اموری جاهل باشد، ولی به جهل خود توجه **نداشته** باشد.
- بر خلاف نظر عمده منطق دانان، مرحوم **مظفر** قائل است که جهل مرکب، از اقسام **جهل تصدیقی** است، نه اقسام علم تصدیقی. زیرا در جهل مرکب صورت شیء دیگری در ذهن حاصل شده، و در نتیجه تعریف علم بر آن صادق نیست.

تقسیم بندی دیگر علم

علم ضروری و
بدیهی

- آن دسته از تصوّرات و تصدیقاتی که به فکر و مطالعه و مقدمه چینی نیاز ندارد.
- مثال: مفهوم وجود (در بخش **تصوّرات**)
- «کل بزرگتر از جزء است» (در بخش **تصدیقات**)

علم نظری و
اکتسابی

- آن دسته از تصوّرات و تصدیقاتی که به فکر و مطالعه و مقدمه چینی نیاز دارند.
- مثال: تصوّر انسان یا فرشته (در بخش **تصوّرات**)
- «آیا زمین ساکن است یا متحرّک» (در بخش **تصدیقات**)

اسباب توجه نفس

- ۱- هشیاری: عدم غفلت از بدیهی ترین بدیهیات. (به خلاف غافل)
- ۲- سلامت ذهن: دارا بودن روح و ذهن سالم. (به خلاف مثل فرد عقب مانده ذهنی)
- ۳- سلامت حواس: دارا بودن حواسّ ظاهری در حد اعتدال. (به خلاف مثل نابینا و ناشنوا)
- ۴- فقدان شبهه: نداشتن پیش فرض ذهنی و روحی و عدم القاء شبهات و مغالطات.
- ۵- عملیات غیر عقلیه: به معلوماتی که جزء بدیهیات هستند، ولی نیازمند سببی می باشند و این امر سبب نمی شود که در زمره علوم نظری و کسبی قرار گیرند. (مثل تجربه کردن در تجربیات)

تعریف فکر:

الحركة العقل بين المعلوم و المجهول

• مراحل عقل برای حصول بدیهیات

- ۱- رویارویی با مشکل: توجه انسان به مشکل و مجهول مورد نظر (مثلا ناشناخته بودن تصوّر فرشته، یا مجهول بودن تصدیق به حدوث عالم)
- ۲- شناخت نوع مشکل: دانستن این مسئله که مجهول مورد نظر از چه نوع مجهولی است. از مقوله مادیات است یا مجردات؟ از مقوله جواهر است یا أعراض؟
- این دو قدم که توسط عقل برداشته می‌شود، زمینه را برای حرکت‌های فکری بعد فراهم می‌کند.

ادامه

- ۳- حرکت از مجهول به سمت معلومات (ذاهبیّه): رفتن به سمت انبار معلومات ذخیره شده در ذهن.
- ۴- حرکت بین معلومات (دائریّه): گشت و گذار بین دنیای معلومات ذهنی.
- این مرحله مشکل ترین کار فکر است، زیرا هر معلومی برای استکشاف هر مجهولی سودمند نیست. (برای شناخت مجهول تصوّری انسان، شناخت آب و آتش و جماد سودمند نیست)
- ۵- حرکت از معلومات به سوی مشکل یا مجهول (راجعیه): پس از به دست آوردن معلومات متناسب با مجهول، از انبار معلومات ذخیره شده به سمت مجهول پرواز می کند.

گروه‌های استثنا

- ۱- **انبیاء:** که دارای علم الهامی، لدنی و مرتبط با وحی هستند و همه حقایق را دریافت می‌کنند.
- ۲- **ائمہ اطہار:** بواسطه علم لدنی به حقایق دست می‌یابند، و خطایی در علم آنها راه ندارد. علم امام به حکمی از احکام شرعیّه با علم مجتهد که اکتسابی و اجتهادی است، فرق دارد.
- ۳- **عرفا:** اهل کشف و شهود و مکاشفه هستند، و البته شهوداتشان برای خودشان مفید و قانع کننده است، و مفید برای دیگران نمی‌باشد.
- ۴- **انسانهای دارای حسن قوی:** بدون نیاز به مراحل سوم و چهارم، به محض رویارویی با مشکل، مستقیماً حدس زده و معلوم را به دست می‌آورند.
- **حدس** ← رسیدن دفعی و ناگهانی به مطلوب است؛
- **فکر** ← رسیدن تدریجی از معلوم به مجهول است.